

پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۴ آوریل ۲۰۰۸)

سید علی سادات اخوی*

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۴/۲۳)

چکیده:

امکان طرح شکایت در خصوص نقض مقررات میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در متن میثاق پیش بینی نشده است. تاکید میثاق بر تدریجی بودن تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و وابسته بودن آنها به منابع موجود دولت‌ها، ابتدائاً این تصور را ایجاد کرده بود که این دسته از حقوق اصولاً قابل دادخواهی نمی‌باشند. اکنون پس از گذشت بیش از چهل سال و با تدوین پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق این اندیشه کنار گذاشته شده است. سند مذکور با ایجاد یک نظام رسیدگی به شکایات تحول مهمی در حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده است. هدف از مقاله حاضر بررسی مفاد پیش نویس پروتکل اختیاری و مکانیسم‌های مقرر شده در آن می‌باشد.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر - حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی - قابلیت دادخواهی - شکایات فردی - شکایات دولتی - آئین تحقیق.

Email: ali_sadatakhabi@hotmail.com

* فاکس: ۶۶۴۱۴۴۲۳

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:
«پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، سال ۸۴، شماره ۷۰. «قاعده «قانون مطلوب تر» به عنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری»، سال ۱۳۸۵، شماره ۷۲.

مقدمه

تدوین یک پروتکل اختیاری برای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سال ۱۹۹۰ در دستور کار کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفت. هدف از تهیه‌ی پروتکل ایجاد یک نظام شکایت فردی در موارد نقض حقوق حمایت شده در میثاق بود. کمیته حاصل مباحثات انجام شده و نقطه نظرات خود در زمینه‌ی تدوین یک پروتکل اختیاری را طی گزارشی در سال ۱۹۹۳ به کنفرانس جهانی وین ارائه نمود. در این سند کمیته اظهار داشت که مهم‌ترین مسئله‌ای که در ارتباط با دولت‌های عضو میثاق مطرح می‌باشد این است که آنها متقاعد شوند که تعهدات آنها در زمینه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهدات حقوقی واقعی بوده که "قابل دادخواهی" (Justiciable) نیز می‌باشند (A/CONF.157/PC/62/Add.5, p. 5, paras.16-17). در این میان ایجاد یک مکانیسم شکایت فردی می‌توانست تأکیدی باشد هم بر واقعی بودن تعهدات دولت‌ها طبق میثاق و هم بر قابل دادخواهی بودن آنها. به عقیده‌ی کمیته تدوین یک پروتکل اختیاری تأثیر قابل توجهی بر بهره‌مندی بیشتر افراد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور های عضو خواهد داشت (Ibid., p.11, para.20).

متعاقب کنفرانس جهانی وین، به درخواست کمیته گزارش‌هایی توسط آقای فیلیپ آلستون تهیه گردید که مبنای مباحثات و گفتگوهای بعدی قرار گرفت (E/C.12/1994/12; E/C.12/1996/CRP.2/Add.1). حاصل بررسی‌های کمیته در سال ۱۹۹۷ به صورت پیش نویس یک پروتکل اختیاری به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشتمل بر ۱۷ ماده تسلیم کمیسیون حقوق بشر گردید (E/CN.4/1997/105). به مدت سه سال کمیته منتظر دریافت نظرات دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی در خصوص پیش نویس پروتکل تهیه شده بود. در این مدت سازمان‌های غیردولتی عموماً از متن پیشنهادی حمایت به عمل آوردند اما اکثریت دولت‌ها در قبال متن فوق ساکت بوده و هیچ عکس‌العملی از خود نشان ندادند. سکوت این دولت‌ها حاکی از تردید و شاید نارضایتی حکومت از پیش نویس پروتکل بود (E/CN.4/2002/57, p.5, para. 9). به منظور بررسی کامل تر موضوع، در سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بشر مبادرت به تعیین یک کارشناس مستقل نمود که منجر به ارائه دو گزارش در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ توسط وی گردید.

نقطه‌ی عطف اقدامات کمیسیون در راستای تدوین پروتکل اختیاری ایجاد یک «گروه کاری نامحدود در مورد یک پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) بود. در سال ۲۰۰۲ کمیسیون تصمیم گرفت که در اجلاس بعدی خود در سال ۲۰۰۳ گروه کاری نامحدود را ایجاد

نماید (E/CN.4/Res/2002/24, para. 9(f)). در سال ۲۰۰۳ و پس از تأیید شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون گروه کاری نامحدود را تأسیس کرده و از آن درخواست کرد که پیش از اجلاس بعدی کمیسیون به مدت ده روز تشکیل جلسه دهد. (E/CN.4/Res/2003/18, paras. 12, 13). بدین ترتیب، گروه کاری نامحدود رسماً فعالیت خود را از سال ۲۰۰۴ آغاز کرد و تا سال ۲۰۰۸ مجموعاً پنج اجلاس برگزار نمود. در آخرین روز اجلاس پنجم خود در ۴ آوریل ۲۰۰۸، گروه کاری نامحدود متن پیش نویس پروتکل میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نهایی کرده و آن را جهت بررسی به شورای حقوق بشر تسلیم نمود. مقاله حاضر به بررسی محتوای پیش نویس پروتکل اختیاری می‌پردازد. بدین منظور ابتدا مکانیسم شکایات فردی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم (الف) سپس به شکایات بین دولتی خواهیم پرداخت (ب) و نهایتاً آئین تحقیق مقرر شده در پیش نویس پروتکل را مورد بررسی قرار خواهیم داد (ج).

الف- صلاحیت کمیته در رسیدگی به "شکایات فردی"

طبق پاراگراف ۱ ماده ۱ پیش نویس پروتکل، هر دولت عضو میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که به عضویت پروتکل اختیاری درآید صلاحیت کمیته‌ی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در رسیدگی به شکایات (Communications) مطروحه علیه خود را می‌پذیرد. بنابراین پذیرش پروتکل اختیاری به معنای پذیرش صلاحیت کمیته در رسیدگی به شکایات می‌باشد. همچنین بدیهی است که کمیته نمی‌تواند شکایات طرح شده علیه یک دولت عضو میثاق که عضو پروتکل نیست را مورد رسیدگی قرار دهد (پاراگراف ۲ ماده ۱).

۱. حقوقی که می‌توانند موضوع شکایت واقع شوند

مهم‌ترین مسئله‌ای که در جریان تدوین پیش نویس پروتکل اختیاری مورد بحث قرار گرفت این بود که کدامیک از حقوق حمایت شده در میثاق می‌بایست مشمول مکانیسم شکایت فردی قرار گیرند. در پاسخ به این سؤال پنج رهیافت مطرح شد (E/CN.4/2006/WG.23/2, p. 4, para. 5).

الف: رهیافت جامع (Comprehensive Approach)، مطابق این رهیافت تمام حقوق مندرج در میثاق می‌توانستند موضوع مکانیسم شکایت واقع شوند. روش مذکور روشی است که در تمام نظام‌های رسیدگی به شکایات فردی اعمال می‌شود.

ب: رهیافت انتخابی ("À la carte" Approach). بر اساس این رهیافت می‌بایست به دولت‌ها این اختیار را داد که تعدادی از حقوق حمایت شده در میثاق را انتخاب کرده و به

عنوان حقوقی که در صورت نقص آنها می توان مبادرت به طرح شکایت نمود معرفی نمایند. به عنوان مثال، منشور اجتماعی اروپا (تجدید نظر شده) دولت های عضو را مکلف می کند که ۶ حق از ۹ حق موسوم به «حقوق اصلی» (Hard Core Rights) و در مجموع حداقل ۱۶ حق از حقوق بخش دوم منشور اجتماعی اروپا (تجدید نظر شده) را به عنوان حقوقی که ملزم به رعایت آن هستند معرفی نمایند.

ج: رهیافت مبتنی بر اعمال شرط (Reservation Approach)، این رهیافت به دولت ها این امکان را می دهد که با صدور یک شرط، پاره ای از مقررات میثاق را از دایره شمول مکانیسم رسیدگی به شکایت خارج سازند. تفاوت این رهیافت با مورد قبلی در این است که در رهیافت مبتنی بر اعمال شرط، پیش فرض این است که مکانیسم شکایت اصولاً به کلیه ی حقوق مندرج در میثاق تسری پیدا می کند مگر اینکه با صدور یک شرط دولتی مقررات خاصی را استثناء نمایند. برعکس در رهیافت انتخابی، پیش فرض این است که مکانیسم شکایت از ابتدا تنها به پاره ای از حقوق تعلق می گیرد.

د: رهیافت محدودیت زمانی (Time – limited Approach)، مطابق این رهیافت دولت ها می توانند پاره ای از حقوق را به عنوان حقوق قابل شکایت معرفی نمایند اما متعهد می گردند که در فواصل زمانی معین، مثلاً هر دو سال یکبار، یک حق را به فهرست اعلام شده اضافه نمایند تا آنجا که پس از گذشت چند سال کلیه ی حقوق میثاق در حیطه ی حقوق قابل شکایت قرار گیرد.

ه: رهیافت محدود (Limited Approach)، در این رهیافت، متن پروتکل به صراحت مشخص می نماید کدامیک از مقررات میثاق می توانند مشمول مکانیسم شکایت واقع شوند. تفاوت این رهیافت با سه مورد قبلی در این است که در اینجا خود پروتکل، و نه دولت ها، تعیین می کند که چه حقوقی قابل شکایت می باشند.

بعد از مباحثات فراوان میان نمایندگان دولت ها (E/CN. 4/2006/47, PP. 6-8)، نهایتاً رهیافت محدود جهت تدوین مقررات مربوطه در پیش نویس پروتکل مورد استفاده قرار گرفت. طبق ماده ی ۲ پیش نویس پروتکل، تنها شکایات مربوط به نقض حقوق مندرج در بخش های ۲ و ۳ میثاق می توانند توسط کمیته مورد رسیدگی واقع شوند. علی رغم اینکه مقررات ماده ۲ به وضوح حاکی از اعمال رهیافت محدود می باشد اما در واقع تفاوت چندانی با رهیافت جامع ندارد. توضیح آنکه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلاً مشتمل بر پنج بخش می باشند. بخش اول مربوط است به حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود می باشد. بخش دوم به تعهدات کلی دولت در زمینه ی حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق، تضمین بهره مندی برابر زنان و مردان از حقوق مصرح در میثاق و همچنین مقرراتی در زمینه ی شرایط محدود

ساختن این حقوق و قواعد تفسیر آنها می‌پردازد. بخش سوم فهرستی از حقوق ماهوی حمایت شده در میثاق را ارائه می‌دهد از جمله حق به کار، حق به تأمین اجتماعی، حق به آموزش و غیره. بخش چهارم عمدتاً ناظر است بر مکانیسم نظارت بر اجرای میثاق و بالاخره بخش پنجم مقررات مربوط به پذیرش (امضاء، تصویب و الحاق)، لازم‌الاجرا شدن و اصلاح میثاق را بیان می‌کند. از میان بخش‌های پنجگانه میثاق طبیعی است که بخش‌های چهارم و پنجم نمی‌توانند موضوع شکایت واقع شوند زیرا در این بخش‌ها حقوقی برای افراد و متقابلاً تکالیفی برای دولت‌ها در قبال افراد مقرر نمی‌گردد که نقض آنها بتواند موضوع یک شکایت قرار گیرد. بخش اول میثاق نیز از دایره‌ی شمول شکایات قابل رسیدگی توسط کمیته خارج مانده است به این دلیل که در مورد حق تعیین سرنوشت اصولاً عقیده بر این است که این حق یک حق جمعی است و نه یک حق فردی (Rosas 2001, pp. 114-115)، فلذا گنجاندن آن در فهرست حقوقی که می‌توانند مشمول شکایات فردی قرار گیرند موضوعیت ندارد. چنانکه ملاحظه می‌گردد، در متن فعلی پیش نویس پروتکل عملاً تمام حقوق حمایت شده در میثاق، به جز حق تعیین سرنوشت، می‌توانند موضوع شکایت واقع شوند و تنها تفاوت میان اعمال رهیافت جامع و رهیافت محدود مستثنی ساختن حق مذکور، آنهم به دلایل کاملاً موجه بوده است.

۲. اشخاصی که حق طرح شکایت دارند

بر اساس ماده‌ی ۲ پروتکل، شکایات می‌توانند "توسط یا از جانب افراد یا گروهی از افراد" (By or on behalf of individuals or group of individuals) که در قلمرو صلاحیت یک دولت عضو پروتکل قرار داشته و ادعا می‌کنند که قربانی نقض یکی از حقوق مندرج در بخش دوم و سوم میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی توسط یک دولت عضو شده‌اند مطرح گردند.

منظور از «افراد» در ماده‌ی ۲ اشخاص حقیقی می‌باشد (E/CN.4/2006/WG.23/2, p.7, para.10(a)). در خصوص مفهوم «گروهی از افراد» باید گفت که این مفهوم به ظن قوی ناظر است به تعدادی از اشخاص حقیقی که مشترکاً اقدام به طرح شکایت نمایند. اصطلاح گروهی از افراد در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بکار برده شده است اما در کنوانسیون اروپایی معنایی گسترده به این اصطلاح داده شده است. بعید به نظر می‌رسد که چنین معنایی وسیع مد نظر تدوین کنندگان پروتکل اختیاری بوده باشد لذا تفسیر صحیح آن است که اصطلاح گروهی از افراد به معنای محدود آن یعنی تعدادی از افراد حقیقی اطلاق گردد.

ماده‌ی ۲ این امکان را نیز پیش بینی کرده است که شکایات «از جانب» افراد یا گروهی از افراد اقامه شود. قربانیان نقض حقوق مندرج در میثاق، اعم از افراد یا گروهی از افراد،

می‌توانند نمایندگی را جهت طرح و پی‌گیری دعوی به نیابت از خود تعیین نمایند. این نمایندگان می‌توانند اشخاص خصوصی دیگر، وکلا، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های حمایت از حقوق بشر و امثالهم باشند. در صورتی که شکایتی توسط یک شخص ثالث و از جانب قربانی یا قربانیان مطرح شود لازم است که رضایت آن افراد به این امر احراز گردد مگر آنکه شاکی بتواند عدم ارائه اسنادی دال بر رضایت قربانی یا قربانیان را توجیه نماید. معمولاً طرح شکایت توسط شخص ثالث بدون ارائه رضایت نامه ای از قربانی زمانی موجه محسوب می‌گردد که قربانی قادر نباشد شکایت خود را شخصاً به کمیته تسلیم نماید (E/CN.4/2006/WG.23/2, p.7, para. 10(b)).

۳. شرایط قابل پذیرش بودن شکایات

بطور کلی شرایط قابل پذیرش بودن شکایات در نظام‌های مختلف رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر تا حد زیادی شبیه یکدیگر می‌باشند (E/CN.6/1997/4, pp. 7-12). نظام مقرر شده در پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از میان شروط هشت گانه ذکر شده در ماده ۳ پروتکل، شش شرط آن عیناً در نظام‌های دیگر نیز وجود دارند. شروط مشترک که در صورت وقوع آنها شکایت غیرقابل پذیرش اعلام می‌گردد بدین شرح می‌باشند: عدم توسل به تمام مراجع دادرسی داخلی (مگر آنکه جریان دادرسی به نحو غیرقابل توجیهی طولانی شده باشند)؛ وقایعی که موضوع شکایت می‌باشند قبل از لازم الاجرا، شدن پروتکل برای دولت مربوطه رخ داده باشند؛ همان شکایت قبلاً توسط کمیته یا یک مرجع بین‌المللی دیگر مورد رسیدگی قرار گرفته باشد یا در یک مرجع بین‌المللی دیگر در دست رسیدگی باشد؛ شکایت مطروحه نوعی سوء استفاده از حق طرح شکایت محسوب گردد؛ شکایت طرح شده با مقررات میثاق ناسازگار باشد؛ هویت شاکی مشخص نبوده و یا اینکه شکایت بصورت کتبی ارائه نگردیده باشد. وجه تمایز پروتکل اختیاری با سایر نظام‌ها در دو شرط زیر است. اول اینکه شکایت مطروحه می‌بایست حداکثر یک سال پس از اتمام آخرین مرحله رسیدگی داخلی به کمیته ارجاع شده باشد مگر اینکه شاکی بتواند ثابت نماید که تسلیم شکایت در آن محدوده‌ی زمانی غیرممکن بوده است (A/HRC/8/7, p. 8, para.52 and p.18, (para. 149)). دوم اینکه شکایت طرح شده بطور آشکار بی اساس بوده یا اینکه دلیلی برای اثبات آنها ارائه نگردیده باشند و یا اینکه صرفاً مبتنی بر گزارش‌ها و اطلاعاتی باشد که وسایل ارتباط جمعی (رسانه‌ها) منتشر می‌کنند. این مورد اخیر یعنی اینکه شکایات نباید «صرفاً مبتنی بر گزارش و

اطلاعات منتشره توسط وسایل ارتباط جمعی» باشد از ابداعات پروتکل اختیاری است (A/HRC/6/8, p. 11, para. 66).

همان‌طور که ذکر شد، شروط قابل پذیرش بودن شکایات در ماده‌ی ۳ پیش نویس پروتکل آمده است. اما محتوای ماده‌ی ۴ نیز به گونه‌ای است که می‌تواند شرط دیگری از شروط قابل پذیرش بودن شکایات محسوب گردد. مطابق این ماده، کمیته می‌تواند از رسیدگی به شکایاتی که حاکی از وارد آمدن «زیان قابل توجه» به شاکی نیست خودداری ورزد مگر آنکه به اعتقاد کمیته شکایت مطروحه مشتمل بر یک موضوع جدی دارای اهمیت عام باشد. در توجیه ضرورت درج این ماده در پیش نویس پروتکل نمایندگان برخی دولت‌ها چنین استدلال می‌کردند که وجود این ماده به کمیته این امکان را خواهد داد که به شکایاتی که دارای اهمیت کمتری هستند رسیدگی ننموده و بدین ترتیب بار کاری خود را کاهش دهد. متقابلاً برخی از دولت‌ها در مخالفت با این ماده اظهار می‌کردند که اعمال این ماده مستلزم این خواهد بود که پاره‌ای از نقض‌های میثاق غیر مهم تلقی گردند که این امر برای این گروه از دولت‌ها غیر قابل قبول بود (A/HRC/8/7, p.8, para.59). مضافاً به اینکه، به عقیده آنها، استفاده از لفظ «می‌تواند» (may) در متن ماده‌ی ۴ این اختیار را به کمیته می‌داد که بنا به صلاحدید خود شکایاتی را غیر مهم، اعلام کرده و از رسیدگی به آنها خودداری نمایند. نظر به فقدان ضابطه‌ای خاص برای طبقه‌بندی شکایات به مهم و غیر مهم، این اختیار کمیته می‌توانست منجر به اعمال استانداردهای دوگانه گردد (Ibid., p. 19, para. 157).

در این ارتباط قابل ذکر است که ماده‌ی مشابه این ماده در پروتکل شماره ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز وجود دارد با این تفاوت که مطابق پروتکل شماره ۱۴، دیوان اروپایی باید (shall) شکایتی را که حاکی از یک «زیان قابل توجه» نیست غیرقابل پذیرش اعلام نماید (Protocol No. 14 to the ECHR, Art. 12). به هر صورت بنظر می‌رسد که ماده‌ی ۴ پیش نویس پروتکل الهام گرفته از ماده‌ی متناظر آن در پروتکل شماره ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است.

۴. رسیدگی به ماهیت دعوی

مباحث مربوط به رسیدگی به ماهیت دعوی در ماده‌ی ۸ پیش نویس پروتکل آمده است. پاراگراف ۱ این ماده ناظر است به اسناد یا اطلاعات که مبنای رسیدگی کمیته به ماهیت دعوی قرار می‌گیرد. مطابق این پاراگراف، کمیته شکایات واصله را با توجه به کلیه‌ی اسناد ارائه شده به آن نهاد مورد رسیدگی قرار خواهد داد مشروط به اینکه اسناد فوق در اختیار طرفین اختلاف نیز قرار داده شوند. در متن فعلی پروتکل عبارت «اسناد ارائه شده به آن نهاد» (Documentation submitted to it) بکار رفته است در حالی که در پیش نویس اولیه از عبارت «اسناد ارائه شده به آن نهاد توسط طرفین دعوی» (Documentation submitted to it by the parties concerned) استفاده شده بود (A/HRC/8/WG.4/2, p.7). بدین ترتیب، طبق متن فعلی پیش نویس پروتکل، کمیته ملزم است به هنگام رسیدگی به ماهیت اختلاف تمام اسنادی که در اختیارش گذاشته شده است را مورد توجه قرار دهد حتی اگر آن اسناد توسط اشخاص ثالث مانند سازمان‌های غیردولتی تسلیم شده باشند در حالی که طبق پیش نویس اولیه پروتکل، کمیته تنها ملزم به استفاده از اسناد ارائه شده توسط طرفین دعوی بود. از آنجایی که مشخص نیست به چه دلیل کلمات «توسط طرفین دعوی» از متن اولیه حذف شده است (Ibid., p.19, para.32)، و از آنجایی که تمام مکانیسم‌های رسیدگی به شکایات که پیش از آن وجود داشته و به عنوان الگو مورد استفاده‌ی تدوین کنندگان پیش نویس پروتکل قرار گرفته‌اند نهادهای نظارتی را تنها ملزم به استفاده از اطلاعات ارائه شده توسط طرفین اختلاف می‌کنند (E/CN.6/1997/4, p.20; E/CN.4/2005/WG.23/2, p.9). بنظر می‌رسد حذف کلمات «توسط طرفین دعوی» را نباید حمل بر الزام کمیته به استفاده از اسناد ارائه شده توسط اشخاص ثالث نمود. در این ارتباط، قابل ذکر است که پاراگراف ۳ همین ماده مقرر می‌کند که کمیته به هنگام رسیدگی به شکایات "می‌تواند" از اسناد صادره توسط نهادها، کارگزاری‌های تخصصی، صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد و همچنین سایر سازمان‌های بین‌المللی از جمله نهاد منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر استفاده نماید. چنانکه ملاحظه می‌گردد، کمیته می‌تواند اسناد صادره توسط سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی را مورد استفاده قرار دهد اما الزامی به این امر ندارد. پاراگراف ۲ ماده‌ی ۸ مقرر می‌کند که رسیدگی به شکایات می‌بایست بصورت غیرعلنی و پشت درهای بسته انجام گردد. این پاراگراف بدون هیچ‌گونه اظهار نظر مخالفی به تصویب رسید (A/HRC/8/7, p.20, para. 166).

مهم‌ترین مسئله‌ای که ذیل ماده‌ی ۸ مورد بحث قرار گرفت موضوع تعیین یک ضابطه یا ملاک برای تشخیص مطابقت رفتار دولت‌ها با تعهدات آنی طبق میثاق بود. توضیح آنکه طبق پاراگراف ۱ ماده‌ی ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های عضو مکلف

هستند که، در چارچوب منابع در دسترس‌شان، اقداماتی را جهت تحقق تدریجی حقوق مندرج در میثاق انجام دهند. سؤالی در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان تشخیص داد که آیا یک دولت اقداماتی که با توجه به منابعش امکان انجام آن را داشته، انجام داده است یا خیر؟ به عبارت دیگر، با چه معیار یا ضابطه‌ای می‌توان ارزیابی نمود که سیاست‌های اتخاذ شده و نحوه‌ی تخصیص منابع توسط یک دولت منطبق با تعهدات آن دولت طبق میثاق بوده است؟ در این ارتباط نظر غالب این بود که می‌بایست یک ملاک یا ضابطه‌ای ارائه شود تا کمیته بتواند با اعمال آن اقدامات دولت‌ها را ارزیابی نماید. از سوی دیگر، یافتن و توافق بر سر یک ضابطه‌ی دقیق و کاملاً مشخص غیرمتحمل بنظر می‌رسید (A/HRC/6/WG.4/2, p.21, para.29). لذا ناگزیر تصمیم به این گرفته شد که یک ضابطه‌ی کلی و عام تعیین گردد. بدین منظور معیارهایی همچون «معقول بودن» (Reasonableness)، یا «مؤثر بودن» (Effectiveness) و یا «کافی بودن» (Adequacy) پیشنهاد شد که در نهایت معیار «معقول بودن» مورد توافق قرار گرفت (A/HRC/8/WG.4/2, p.7). بدین ترتیب در ارزیابی اینکه آیا یک دولت به تعهدات خود طبق میثاق عمل کرده است کمیته می‌بایست «معقول بودن» سیاست‌ها و تخصیص منابع آن دولت را احراز نماید (پاراگراف ۴ ماده ۸) به عبارت دیگر، اگر سیاست‌های اتخاذ شده و نحوه‌ی تخصیص منابع توسط یک دولت در جهت تحقق حقوق مذکور در میثاق معقول بوده باشد، دولت مزبور مرتکب نقض میثاق نشده است، اما در غیر این صورت ناقض میثاق خواهد بود.

ماده‌ی ۸ در خصوص سایر مباحث مربوط به رسیدگی به ماهیت دعوی ساکت است. جهت اجتناب از طولانی شدن متن پیش نویس پروتکل، تصمیم بر این گرفته شد که سایر مباحث از جمله اینکه آیا رسیدگی به قابلیت پذیرش شکایات و رسیدگی به ماهیت دعوی می‌بایست به صورت توأم صورت گیرد یا مجزا و یا مسئله‌ی امکان برگزاری جلسات شفاهی در متن پیش نویس پروتکل داخل نشده و به آئین نامه‌ی داخلی کمیته واگذار گردد (A/HRC/6/WG.4/2, p. 20, paras. 24-27).

۵. آراء کمیته و پی گیری اجرای آنها

ماحصل رسیدگی کمیته به ماهیت دعوی بصورت یک «رأی» (Views) صادر می گردد. آراء صادره توسط کمیته به منزله‌ی توصیه بوده و برای طرفین اختلاف ارزش الزام آور ندارند (E/CN.4/2006/47, p.20, para.122). پس از رسیدگی به ماهیت دعوی، کمیته نظرات خود همراه با توصیه‌های احتمالی را به طرفین اختلاف تسلیم خواهد کرد (پاراگراف ۱ ماده ۹). در صورت احراز نقض، کمیته از دولت طرف دعوی خواهد خواست که اقدامات لازم را جهت برطرف کردن آثار نقض انجام دهد. این اقدامات می تواند مواردی همچون لغو یا اصلاح قوانین داخلی، پرداخت غرامت و یا اقدام جهت پیشگیری از وقوع مجدد نقض را شامل گردد (E/CN.4/2006/WG.23/2, p. 10, para. 19).

پیش نویس پروتکل جهت تأکید بر اهمیت آراء صادره و ضرورت اجرای آنها توسط دولت‌های عضو یک «آئین نظارت بر اجرای آراء» (Follow-up Procedures) را پیش بینی کرده است. مقررات پیش نویس پروتکل در این زمینه عیناً از ماده‌ی ۷ پروتکل اختیاری کنوانسیون مربوط به محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان الگوبرداری شده است. قابل ذکر است برخی دیگر از نهادهای مبتنی بر معاهده همچون کمیته‌ی حقوق بشر (CCPR/C/3/Rev.8, Rule 101)، کمیته منع شکنجه (CAT/C/3/Rev.4, Rule 114) و کمیته‌ی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی (CERD/C/35/Rev.3, Rules 95,96) نیز مشتمل بر یک سیستم نظارت بر اجرای آراء صادره می‌باشند با این تفاوت که مقررات مربوطه در متن معاهده یا یک پروتکل الحاقی نیامده بلکه در آئین نامه داخلی آن نهاد ذکر شده است.

آئین نظارت بر اجرای آراء صادره توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شرح زیر می‌باشد. همان‌طور که پیش از این بیان شد پس از خاتمه‌ی رسیدگی به ماهیت اختلاف کمیته نقطه نظرات خود را توأم با توصیه‌های اجتماعی به طرفین دعوی تسلیم می‌کند. دولت طرف دعوی می‌بایست نقطه نظرات کمیته و توصیه‌های آن را مورد توجه مقتضی قرار داده و ظرف مدت شش ماه یک پاسخ کتبی مشتمل بر شرح اقداماتی که جهت اجرای نظرات و توصیه‌های کمیته انجام داده است را به آن نهاد ارائه نماید (پاراگراف ۲ ماده‌ی ۹). همچنین کمیته می‌تواند پس از دریافت پاسخ کتبی دولت طرف دعوی از آن دولت درخواست نماید که اطلاعات بیشتر در خصوص اقدامات انجام یافته به کمیته ارسال نماید. در همین ارتباط کمیته می‌تواند از دولت مزبور درخواست نماید که اطلاعات فوق را در گزارش ادواری خود طبق مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق درج نماید (پاراگراف ۳ ماده‌ی ۹). قابل ذکر است که بنا به ماده‌ی ۱۵ پیش نویس پروتکل اختیاری کمیته می‌بایست خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود طبق پیش نویس پروتکل (از جمله آراء صادره و نحوه‌ی پی گیری آنها) را در گزارش

سالیانه‌ی خود ذکر کند. چنانکه ملاحظه می‌گردد، جوهره‌ی آئین نظارت بر اجرای آراء صادره توسط کمیته عبارت است از درخواست اطلاعات از دولت طرف اختلاف در خصوص اقداماتی که انجام داده است ظرف مدت شش ماه، سپس در صورت قانع نشدن کمیته، درخواست اطلاعات تکمیلی و نهایتاً انتشار گزارشی از موارد فوق در گزارش سالیانه‌ی کمیته.

۶. اقدامات موقتی

منظور از اقدامات موقتی (Provisional Measures) اقداماتی است که در شرایط اضطراری و جهت پیشگیری از وارد آمدن یک "زیان غیرقابل جبران" (irreparable harm) به قربانیان نقض‌های ادعایی به عمل می‌آید (E/CN.4/2006/WG.23/2, p. 9, para. 17). نهادهای مبتنی بر معاهده ملل متحد عموماً اختیار درخواست انجام اقدامات موقتی توسط دولت‌ها را دارند. پاره‌ای از این نهادها این امکان در آئین‌نامه‌ی داخلی آنها پیش بینی شده (مانند کمیته‌ی حقوق بشر، کمیته محو کلیه اشکال تبعیض نژادی و کمیته منع شکنجه) و در پاره‌ای دیگر صراحتاً در متن معاهده این اختیار به نهاد مربوطه اعطا گشته است (پروتکل اختیاری کنوانسیون اشکال تبعیض علیه زنان).

در جریان تدوین پیش نویس پروتکل اختیاری، در خصوص این امر که یک نهاد نظارتی می‌بایست امکان درخواست انجام اقدامات موقتی را داشته باشد اتفاق نظر وجود داشت (A/HRC/6/WG.4/2, p.18, para.16). اما برخی از دولت‌ها بر این عقیده بودند که مقررات مربوط به اقدامات موقتی می‌بایست در آئین‌نامه‌ی داخلی آورده شود و نه در متن پیش نویس پروتکل (A/HRC/8/WG.4/2, p.17, para.20). در مقابل، گروهی اعتقاد داشتند که نقش اقدامات موقتی در پیشگیری از وقوع زیان غیرقابل جبران ایجاب می‌کند که مقررات مربوطه در متن پیش نویس پروتکل ذکر گردد (A/HRC/6/8, p.12, para.67). به هر تقدیر به نظر می‌رسد جهت تأکید بر اهمیت اقدامات موقتی و همچنین حفظ هماهنگی با آخرین سند مشابه، یعنی پروتکل اختیاری کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، نهایتاً تصمیم بر این گرفته شد که مقررات فوق‌الذکر در متن پیش نویس پروتکل داخل گردد.

مطابق پاراگراف ۱ ماده‌ی ۵ پیش نویس پروتکل، در هر زمان پس از وصول شکایت و پیش از خاتمه‌ی رسیدگی به ماهیت دعوی کمیته می‌تواند از یک دولت عضو بخواهد که به فوریت درخواست مبنی بر انجام اقدامات موقتی به منظور پیشگیری از وارد آمدن یک زیان غیر قابل جبران به قربانی یا قربانیان نقض‌های ادعایی را مورد بررسی قرار دهد. چنانکه ملاحظه می‌گردد طبق این ماده تعهد دولت‌ها در ارتباط با اقدامات موقتی «بررسی فوری» (Urgent Consideration) درخواست کمیته است. در همین ارتباط برخی از دولت‌ها تأکید

داشتند که در متن پیش نویس پروتکل عبارتی درج شود که ماهیت داوطلبانه و غیر الزام آور اقدامات موقتی را تصریح نماید (A/HRC/8/7, p.9, para.66). اما گروهی دیگر بر این عقیده بودند که استفاده از کلمه‌ی «درخواست» (Request) در متن ماده و همچنین بکار بردن عبارت «بررسی فوری» جهت بیان محتوای تعهد دولت‌ها، به وضوح حاکی از ماهیت داوطلبانه و غیر الزام آور اقدامات موقتی می‌باشد (Ibid., p.20, para.160).

ب. شکایات (بین) دولتی

مکانیسم شکایات دولتی (Inter-State Communications) در بسیاری از اسناد حقوق بشری به عنوان یک ابزار نظارتی پیش بینی شده است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۴۱)، کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض نژادی (ماده ۱۱)، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۲۱) و کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضاء خانواده‌ی آنها (ماده ۷۶) همگی مشتمل بر مکانیسم شکایات دولتی هستند. با وجود این، مکانیسم فوق تا زمان تدوین پیش نویس پروتکل مورد استفاده واقع نشده بود (A/HRC/8WG.4/2, p.20, para. 39). همین مسئله موجب گردید که تردیدهایی در مورد ارزش عملی این مکانیسم و لزوم اختصاص دادن ماده‌ای به آن در متن پیش نویس پروتکل بروز کند (A/HRC/6/8, p.17, para.109). احتمالاً به دلیل حفظ هماهنگی با سایر اسناد حقوق بشری ملل متحد که در بالا به آنها اشاره شد و همچنین امکان اینکه به مانند نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، زمانی این مکانیسم مورد استفاده قرار گیرد نهایتاً مقررات مربوط به آن در متن پیش نویس پروتکل داخل گردید.

مقررات پیش نویس پروتکل در خصوص مکانیسم شکایات دولتی عیناً از ماده ۴۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اخذ گردیده است و مشتمل بر نکات جدیدی نیست. به همین سبب در اینجا به بررسی اهم مسائل مربوط به شکایات دولتی اکتفا می‌کنیم.

صلاحیت کمیته در رسیدگی به شکایات دولتی یک صلاحیت اختیاری است. یک دولت عضو پروتکل در هر زمان می‌تواند اعلام نماید که صلاحیت کمیته در رسیدگی به شکایات مطروحه توسط یک دولت دیگر را می‌پذیرد. بنابراین، اعمال صلاحیت کمیته منوط به صدور یک اعلامیه‌ی قبلی از جانب دولت‌های عضو است و لذا تنها دولت‌هایی می‌توانند خواننده‌ی دعوی واقع شوند که چنین اعلامیه‌ی ای را صادر کرده باشند. از سوی دیگر تنها دولت‌هایی می‌توانند مبادرت به طرح شکایت علیه دولتی دیگر کنند که خود صلاحیت کمیته در رسیدگی به شکایات دولتی را پذیرفته باشند. بدین ترتیب در شکایات دولتی، هم دولت خواهان و هم دولت خوانده می‌بایست اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت کمیته را صادر

کرده باشد (پاراگراف ۱ ماده‌ی ۱۰). حال اگر دولتی بر این اعتقاد باشد که دولتی دیگر به تعهدات خود طبق میثاق عمل نکرده است، می‌تواند با ارسال نامه‌ای موضوع را به اطلاع آن دولت برساند. دولت دریافت‌کننده می‌بایست ظرف مدت سه ماه از تاریخ وصول نامه ملاحظات و توضیحات خود در خصوص موارد ادعا شده را به دولت فرستنده ارسال نماید (بند الف پاراگراف ۱ ماده‌ی ۱۰). اگر ظرف مدت ۶ ماه پس از وصول اولین نامه توسط دولت دریافت‌کننده موضوع با رضایت طرفین فیصله نیافت، هر یک از دولت‌های طرف اختلاف می‌تواند موضوع را به کمیته ارجاع دهد (بند ب پاراگراف ۱ ماده‌ی ۱۰). در این صورت، کمیته تلاش خواهد نمود که اختلاف فی‌مابین را بطور دوستانه و بر مبنای احترام به تعهدات دولت‌ها طبق میثاق حل و فصل نماید (بند ت پاراگراف ۱ ماده‌ی ۱۰). در صورت حصول یک راه حل دوستانه، کمیته گزارشی تهیه کرده و در آن خلاصه‌ای از حقایق پرونده و راه‌حل نهایی را ذکر خواهد کرد. اما اگر راه‌حل دوستانه یافت نشد، کمیته در گزارش خود شرحی کامل از حقایق پرونده را توأم با متن اظهارات کتبی و شفاهی دولت‌های طرف اختلاف خواهد آورد. کمیته می‌تواند در این گزارش نقطه نظرات خود در خصوص موضوع مورد اختلاف را نیز ذکر نماید (بند ح پاراگراف ۱ ماده‌ی ۱۰).

ج. آئین تحقیق

آئین تحقیق (Inquiry Procedure) مکانیسمی است که به موجب آن یک نهاد نظارتی، در صورت وصول اطلاعات موثق حاکی از نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در یک کشور عضو مبادرت به انجام تحقیقات و تهیه‌ی گزارشی می‌نماید (E/CN.4/2006/WG.23/2, p.11, para.27). تفاوت عمده‌ی آئین تحقیق و سیستم رسیدگی به شکایات در این است که اولاً در آئین تحقیق ابتکار عمل به عهده‌ی خود نهاد نظارتی است به این معنا که این خود نهاد است که تصمیم می‌گیرد که از این مکانیسم استفاده نماید و لازم نیست که ابتدا شکایتی به نهاد مزبور و اصل گردیده باشد. دوم آنکه آئین تحقیق صرفاً در موارد نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و لذا، برخلاف مکانیسم رسیدگی به شکایات، در موارد نقض محدود و مشخص حقوق فردی قابلیت اعمال ندارد (Ibid). آئین تحقیق بویژه در مواردی که افراد در استفاده از مکانیسم رسیدگی به شکایات مشکلاتی دارند یا از بیم جان خود مایل به استفاده از آن نیستند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد (A/HRC/6/8,p.17, para. 111).

مقررات پیش نویس پروتکل در زمینه‌ی آئین تحقیق از روی مقررات متناظر در پروتکل اختیاری کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان (مواد ۸ و ۹)، پروتکل اختیاری

کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض نژادی (مواد ۶ و ۷) و کنوانسیون پیشگیری و مجازات شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۲۰) الگو برداری شده است (A/HRC/6/WG.4/2, p.22, para.33). جزئیات آئین تحقیق به گونه ای که در پیش نویس پروتکل آمده به شرح زیر می باشد. هر دولت عضو پروتکل اختیاری می تواند در هر زمانی اعلام کند که صلاحیت کمیته را در ارتباط با اعمال آئین تحقیق در مورد خود می پذیرد (پاراگراف ۱ ماده ۱۱). عبارت مذکور بدان معناست که صلاحیت کمیته در انجام آئین تحقیق یک صلاحیت اختیاری است و نه اجباری زیرا اعمال آن منوط است به صدور یک اعلامیه ی جداگانه مبنی بر پذیرش صلاحیت کمیته در این زمینه. در ارتباط با هر دولتی که چنین اعلامیه ی را صادر کرده باشد، اگر کمیته اطلاعات موثقی مبنی بر نقض گسترده و سیستماتیک مقررات میثاق توسط آن دولت دریافت نماید، از دولت مزبور خواهد خواست که در بررسی اطلاعات واصله همکاری نموده و ملاحظات و توضیحات خود را در مورد آنها به کمیته ارائه نماید. (پاراگراف ۲ ماده ۱۱). در وهله ی بعد کمیته یک یا چند عضو از اعضاء خود را جهت انجام تحقیقات و گزارش به کمیته تعیین خواهد کرد. در صورت لزوم و مشروط به رضایت دولت عضو، انجام تحقیقات می تواند شامل بازدید از سرزمین آن دولت نیز باشد (پاراگراف ۳ ماده ۱۱). تحقیقات بصورت محرمانه انجام خواهد شد و در تمام مراحل آن از دولت عضو درخواست خواهد شد که با نمایندگان کمیته همکاری نمایند (پاراگراف ۴ ماده ۱۱). پس از خاتمه ی تحقیقات، کمیته یافته های خود توأم با توصیه های احتمالی را به دولت عضو تسلیم خواهد نمود (پاراگراف ۵ ماده ۱۱). دولت مزبور می بایست ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ وصول یافته ها و توصیه های کمیته ملاحظات و توضیحات خود را به آن نهاد ارائه نماید (پاراگراف ۶ ماده ۱۱). نهایتاً کمیته می تواند، پس از مشورت با دولت عضو، خلاصه ای از جریان انجام تحقیقات و نتایج آن را در گزارش سالیانه خود بیاورد. (پاراگراف ۷ ماده ۱۱).

پیش نویس پروتکل یک مکانیسم "پی گیری برای آئین تحقیق" (Follow-up to the Inquiry Procedure) را نیز در نظر گرفته است. مطابق ماده ی ۱۲ کمیته می تواند از دولت عضو بخواهد که اقدامات انجام گرفته در پاسخ به یافته ها و توصیه های حاصل از آئین تحقیق را به اطلاع آن نهاد برساند و یا اینکه شرحی از آن اقدامات را در گزارش ادواری خود طبق مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق بگنجاند.

نتیجه

بدون تردید تدوین پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقطه‌ای عطف در حمایت بین‌المللی از این دسته از حقوق است. پیش نویس پروتکل با ایجاد یک مکانیسم شکایت فردی بر این امر تأکید می‌ورزد که تعهدات دولت‌ها طبق میثاق تعهداتی حقوقی بوده که قابل دادخواهی در مراجع نظارتی می‌باشند. ویژگی برجسته‌ی سند فوق در این است که این امکان دادخواهی به کلیه‌ی حقوق حمایت شده در میثاق، به استثناء حق تعیین سرنوشت، تسری می‌یابد و از این جهت می‌توان گفت که این سند از اسناد منطقه‌ای موجود نیز فراتر رفته است. ویژگی دیگر پیش نویس پروتکل این است که به اشخاص ثالث، از جمله نهادهای جامعه‌ی مدنی، این امکان را می‌دهد که «از جانب» افراد اقدام به طرح شکایت نمایند. چنین امری در موارد عدم آگاهی یا عدم استطاعت مالی فرد می‌تواند تأثیرگذار باشد. نهایتاً باید به ضابطه‌ی «معقول بودن» اشاره کرد که در متن پیش نویس پروتکل به عنوان معیار ارزیابی اقدامات دولت‌ها در عمل به تعهداتشان طبق میثاق مشخص گردیده است. به احتمال زیاد موارد فوق موضوع اصلی مباحثات و گفتگوهای دولت‌ها به هنگام طرح مسئله در شورای حقوق بشر خواهد بود. در سایر موارد بنظر نمی‌رسد که اختلاف نظر چندانی وجود داشته باشد چرا که از نقطه نظر متن و نحوه نگارش آن تلاش زیادی به عمل آمده تا هماهنگی با اسناد مشابهی که پیش از آن در نظام حقوق بشر ملل وجود داشته حفظ گردد. اما آنچه سرنوشت پیش نویس پروتکل را رقم خواهد زد میزان اراده‌ی دولت‌ها در پذیرش یک نظام نظارتی در حوزه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. مشارکت بیش از صد دولت در جریان تدوین پیش نویس پروتکل حاکی از توجه دولت‌ها به این موضوع بوده و در چنین شرایطی موفقیت سند مذکور دور از دسترس بنظر نمی‌رسد.

منابع و مأخذ

BIBLIOGRAPHY**I. Articles**

- 1- Baderin, Mashood (2007) A., McCorquodale, Robert, "The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: Forty Years of Development", in Mashood A. Baderin, Robert McCorquodale (eds.), *Economic, Social and Cultural Rights in Action*, Oxford, Oxford University Press.
- 2- Rosas, Allan, (2001) "The Right to Self-Determination", in Asbjorn Eide, Catarina Krause, Allan Rosas (eds.), *Economic, Social and Cultural Rights – A Textbook*, Second Revised Edition, Dordrecht/Boston/London, Martinus Nijhoff Publishers.
- 3- Scheinin, Martin, (2006) "The Proposed Optional Protocol to the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Blueprint for UN Human Rights Treaty Body Reform-Without Amending the Existing Treaties", *Human Rights Law Review*, Vol. 6.

II. UN Documents

- 1- An Evaluation of the Obligation to Take Steps to the 'Maximum of Available Resources' under an Optional Protocol to the Covenant, E/C.12/2007/1, 21 September 2007.
- 2- Comparative Summary of Existing Communications and Inquiry Procedures and Practices under International Human Rights Instruments and under the Charter of the United Nations, Report of the Secretary-General, E/CN.6/1997/4, 21 January 1997.
- 3- Comparative Summary of Existing Communications and Inquiry Procedures and Practices under International Human Rights Instruments and under the United Nations System, Report of the Secretary-General, E/CN.4/2005/WG.23/2, 22 November 2004.
- 4- Draft Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Prepared by the Chairperson-Rapporteur, Catarina de Albuquerque, A/HRC/6/WG.4/2, 23 April 2007.
- 5- Elements for an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights – Analytical Paper by the Chairperson-Rapporteur, Catarina de Albuquerque, E/CN.4/2006/WG.23/2, 30 November 2005.
- 6- Report of the Independent Expert on the Question of a Draft Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, E/CN.4/2002/57, 12 February 2002.
- 7- Report of the Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights on Its First Session (Geneva, 23 February-5 March 2004), E/CN.4/2004/44, 15 March 2004.
- 8- Report of the Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights on Its Second Session, E/CN.4/2005/52, 10 February 2005.
- 9- Report of the Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights on Its Third Session, E/CN.4/2006/47, 14 March 2006.
- 10- Report of the Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights on Its Fourth Session (Geneva, 16-27 July 2007), A/HRC/6/8, 30 August 2007.
- 11- Report of the Open-ended Working Group on an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights on Its Fifth Session (Geneva, 4-8 February and 31 March-4 April 2008), A/HRC/8/7, 6 May 2008.
- 12- Report of the United Nations Commissioner for Human Rights [on Legal Protection of Economic, Social and Cultural Rights], E/2006/86, 21 June 2006.
- 13- Revised Draft Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Prepared by the Chairperson-Rapporteur, Catarina de Albuquerque, A/HRC/8/WG.4/2, 24 December 2007.

- 14- Status of Preparation of Publications, Studies and Documents for the World Conference, Contribution Submitted by the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, A/CONF.157/PC/62/Add.5, 26 March 1993.
- 15- Status of the International Covenants on Human Rights, Draft Optional Protocol to the International Convention on Economic, Social and Cultural Rights, Note by the Secretary-General, E/CN.4/1997/105, 18 December 1996.